

رابطه مدت حضور در جبهه و تیپ شخصیتی با سطح بهداشت روانی در نزاجا

سید ابوالقاسم موسوی M.D.، فرشاد نجفی پور M.D.

آدرس مکاتبه: لویزان - معاونت پژوهش و مطالعات راهبردی ستاد نزاجا - تهران - ایران

خلاصه

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین مدت زمان حضور در جبهه و تیپ شخصیتی با سطح سازگاری یگان‌های نزاجا انجام شده است. در این پژوهش از دو پرسشنامه آزمون سازگاری بل و آزمون شخصیتی آیزنک استفاده شد. جامعه پژوهش کلیه پرسنل نزاجا مستقر در پادگان‌های مناطق مختلف شهر تهران است، از این جامعه ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب گردید. نمونه انتخاب شده شامل پرسنل جبهه رفته و پرسنل جبهه نرفته بودند.

نتایج رگرسیون، آزمون t و تحلیل واریانس نشان داد که بین سطح سازگاری و تیپ شخصیتی رابطه وجود ندارد. بعلاوه بررسی تأثیر حضور در جبهه و سطح سازگاری در میان ۳ گروه جبهه نرفته و جبهه رفته مستقر در خط مقدم نشان داد که سازگاری و سطح بهداشت روانی پرسنل جبهه رفته کمتر از پرسنل جبهه نرفته است.

واژه‌های کلیدی: رابطه، حضور در جبهه، تیپ شخصیتی، سطح بهداشت روانی یگان‌های نزاجا

مقدمه

جنگ را می‌توان یک پدیده شگفت‌انگیز اجتماعی دانست. یکی از رایج‌ترین پیامدهای جنگ عوارض روان‌شناختی است (۳). اثرات جنگ به سه صورت دیده می‌شود: اثرات کوتاه مدت مانند ترس، بی‌خوابی، تهیج‌پذیری و اختلال در حافظه.

اثرات دراز مدت را کسانی نشان می‌دهند که در زمان جنگ سازگاری کمتر و مشکلات روانی بیشتر داشته‌اند و سوم اثرات تأخیر یافته، یعنی گاهی علائم فشار روانی مدت‌ها بعد از جنگ به علت مواجه شدن با محرک یادآور تجارب جنگی تشدید می‌گردند (۱، ۵). موضوع این پژوهش در رابطه با ارتباط مدت حضور در جبهه و تیپ شخصیتی با سطح بهداشت روانی پرسنل نزاجا است.

بررسی سوابق و پیشینه موضوع نشان داده است که هر قدر سرباز مدت زیادتری را در جبهه گذرانده باشد از میزان سازگاری و بهداشت روانی بعدی او کاسته می‌شود (۴). درباره سازگاری و بهداشت روانی سربازان از جنگ برگشته اعم از سالم یا معلول

پژوهش‌های زیادی در کشورهای اروپایی و آمریکا صورت گرفته است. البته حجم پژوهش بی دلیل هم نیست.

وقوع جنگ‌های داخلی در آمریکا، جنگ جهانی اول و دوم، جنگ ویتنام و آمریکا و غیره موجب پرداختن به پیامدهای روانی جنگ‌ها شده است، توجه به پیامدهای روانی جنگ در ایران به واسطه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران صورت گرفت.

علیرغم آشنایی با یافته‌های پژوهشی و نظریه‌های دیگران در این رابطه کار پژوهشی منسجمی در کشور صورت نگرفته است. ارزیابی پژوهش‌های انجام شده از نظر متدولوژیک نشان می‌دهد که تنها پژوهشگران از یک زاویه به مسئله پرداخته‌اند. اکثر طرح‌های پژوهشی در حد بررسی یک یا دو متغیر بوده و تعامل آنها نادیده گرفته شده است. به عبارتی در بیشتر پژوهش‌ها به گزارش توصیفی یا استفاده از آزمون T و همبستگی بسنده شده است. با توجه به مسایل فوق و متدولوژی یک طرح آماری و پژوهشی پیشرفته شامل رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس چند طرفه برای روابط علت و معلولی استفاده شده است. در این قسمت به بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در این رابطه می‌پردازیم. پژوهش‌هایی که در اینجا